

پژوهشی در تعریف، اوصاف و ضابطه نفقه زوجه در فقه اسلامی و حقوق افغانستان

احمدبهر کوهستانی (افغانستان)^۱، فرهاد پورکیوان (ایران)^۲

چکیده

نفقه به عنوان یک تعهد اجتماعی و حقوقی در حوزه فقه و حقوق تعریف می‌شود که به عنوان وظیفه مالی شوهر نسبت به همسرش مطرح گردیده و شامل پرداخت هزینه‌های معیشتی و اجتماعی می‌شود. عدالت، کفایت، توازن و پایداری را می‌توان از اوصاف نفقه یاد کرد. پس نفقه باید با عدالت و کفایت تعیین شده و توازن بین حقوق و وظایف را حفظ کرده و با اصول اسلامی پرداخت گردد. ضوابط نفقه نیز در قالب قوانین و مقررات حقوقی، مسائلی چون توان مالی فرد، پوشش نیازهای اساسی، انصاف در تعیین مقدار، تغییرات شرایط، و ملاحظه نیازهای خاص را تعیین می‌کند. این تعهد به عنوان یک رکن اساسی در حفظ و تقویت خانواده و ایجاد تعادل اجتماعی نقش بسزایی دارد. بنابراین، مقاله حاضر بر این پرسش می‌پردازد که پیچیدگی‌های حقوقی در زمینه نفقه زوجه در فقه اسلامی و حقوق افغانستان در شرایط خاصی چگونه تغییر می‌یابد؟ اثبات خواهیم نمود که در شرایط خاصی مانند عدم توانایی، بیماری، ناتوانی جسمی و یا شرایط اقتصادی ویژه، وظایف مالی شوهر در نفقه زوجه قابل تغییر باشد. این تحقیق به دیده هدف کاربردی است و به بررسی پیچیدگی‌های حقوقی مرتبط با نفقه زوجه در قالب فقه اسلامی و حقوق افغانستان به منظور ارائه شناخت عمیق‌تری از این مسئله پرداخته است. این مقاله، به شیوه توصیفی و با استناد به مراجع فقهی و قوانین، پیچیدگی‌های حقوقی نفقه زوجه را بررسی کرده و تعدیلات ممکن در شرایط خاص را مورد بررسی قرار داده است. در نتیجه اثبات نمودیم که وجود پیچیدگی‌های حقوقی مرتبط با نفقه زوجه در فقه اسلامی و حقوق افغانستان با توجه بر شرایط ویژه نظیر بیماری، ناتوانی جسمی و شرایط اقتصادی خاص، موجب تخصیص مالیات بیشتر و یا کاهش آن از ذمه شوهر می‌شود.

کلید واژه: نفقه، عدالت، تعدیلات، پیچیدگی‌های حقوقی، مراجع فقهی.

^۱ . دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی، جامعة المصطفی العالمية، دانشگاه مجازی المصطفی، قم، ایران، ahmadbaheerkohistani@gmail.com (نویسنده مسئول)

^۲ . عضو هیئت علمی، جامعة المصطفی العالمية، دانشگاه مجازی المصطفی، قم، ایران، f_pourkeivan@aou.ac.ir

مقدمه

در پیدایش بشر زن و مرد مکمل نیاز های روحی و روانی یکدیگر اند و هر یک بدون دیگری احساس فقر و نیاز نموده و در وجود خود خلاء و کمبودی احساس میکنند. ازدواج مرحله‌ای برای تشکیل خانواده است و به عنوان یکی از مهمترین مراحل زندگی هر شخص از آن یاد میشود. اسلام نیز در نظام اجتماعی خود برای مسئله ازدواج اهمیت و جایگاهی خاصی قائل شده و همین گونه در آیات و احادیث پیامبر به تشویق های وافر درباره آن بر میخوریم زیرا ازدواج و تشکیل خانواده پیمان مقدسی است که جلو بی بند باری و هرج و مرج طلبی ها را می‌گیرد و انسان را در مسیر رعایت اصول حیات اجتماعی قرار میدهد. اسلام در رابطه زوجیت برای هر کدام زن و مرد، حقوق و تکالیف تعیین نموده است. نفقه زوجه در اسلام به عنوان یک وظیفه شرعی شوهر تعریف می‌شود و پرداخت آن از وظایف مالی شوهر است اما این مساله پیچیده گی های حقوقی دارد و در شرایط خاص مانند عدم توانایی مالی شوهر یا شرایط ویژه ای ممکن است این وظایف تغییر کنند. برخی از شرایط خاص ممکن است شامل بیماری، ناتوانی جسمی، یا شرایط اقتصادی ویژه باشند که موجب تخصیص مالیات بیشتر یا کاهش وظایف مالی شود. این تعدیلات می‌توانند بر اساس تشخیص مراجع فقهی یا قوانین اعمال شوند. در کل، نفقه زوجه در اسلام یک مسئله حقوقی است که با توجه به شرایط خاص و تعلیمات دینی ممکن است تغییر کند. ایجاب میکند تا درکنار شناخت اوصاف و ضوابط نفقه، از میزان، مقدار و تعدیلات ممکن آن در شرایط خاص نیز بدانیم. هر چند نویسندگان و گرد آورنده گان آثار و رسائل ارشمندی فقهی در جایگاه اصول و ضابطه نفقه جاء گذاشته اند. ما در کنار بررسی دیدگاه فقهاء به احکام قانونی آن با استفاده از روش توصیفی به بررسی و پژوهش پرداخته ایم. فقه و حقوق بر پرداخت نفقه زوجه در نکاح صحیح اتفاق دارند. و اما نفقه چیست و چه چیز شامل آن میشود؟

بیان مسأله

پس از آن که دانستیم، از جمله مهمترین حقوقی مالی زن نسبت به مرد پرداخت نفقه بوده و اداء آن برای زوجه که شامل مسکن، لباس و مایحتاج های زندگی می باشد، بر عهده زوج واجب است. پس لازم است تا اسباب وجوب، اوصاف و میزان و مقدار نفقه را دانسته و بدانیم این که در چه صورت نفقه به زن تعلق نمی گیرد و احکام نفقه بعد از جدائی و فرقت میان آنها چگونه است؟

مفهوم شناسی مصطلحات

الف- نفقه

نفقه در لغت به معنای خرچ، هزینه و ما یحتاج معاش آمده است. (الراغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۸۱۹) و اما در اصطلاح فقه و حقوق به معنای مالی است که در تأمین هزینه ها مصرف می شود. (مشکینی، ۱۴۲۸: ۱۳۱) نفقه شامل خوراک، پوشاک، اسکان و سایر مخارج زندگی می باشد. (الزحیلی، ۱۹۹۷، ج ۱۰: ۷۳۷۱) در قانون مدنی افغانستان نیز در ماده ۱۱۷ در خصوص نفقه چنین آمده است؛ نفقه با عقد صحیح و نافذ بر زوج لازم می گردد. و قانون افغانستان نفقه زوجه را مشتمل بر طعام، لباس، مسکن و تداوی متناسب به توان مالی زوج دانسته است. (ق م ا، ماده: ۱۱۷-۱۱۸)

ب- نکاح

نکاح از ریشه نکح بوده و معنای آن در بیشتر موارد تزویج و عقد ازدواج است. لسان العرب از قول ازهری و جوهری می گوید: اصل نکاح در کلام عرب به معنای همبستری است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲: ۶۲۶) برخی هم معتقدند که همبستری را نباید معنای اصلی نکاح دانست، اگر چه از آثار نکاح به لحاظ تولید نسل و تشکیل خانواده، مجامعت می باشد. (المصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۲: ۲۳۵) اما برخی مفسران گفته اند؛ اصل نکاح به معنای جماع است و بر کثرت استعمال در معنای عقد به کار رفته است. (طبرسی و بلاغی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۴۵)

ج- نشوؤ

نشود از نَشَر گرفته شده به معنای نافرمانی میباشد و در اصطلاح فقه و حقوق به معنی تمکین نکردن، نافرمانی و عدم ایفاء مکلفیت های همسری از سوی یکی از زوجین؛ ممکن است از طرف زوجه، زوج و یا هر دو صورت گیرد. (معتصم و محمد، ۲۰۰۷ : ۳۹-۴۳)

د- ارتداد

ارتداد در لغت به معنای بازگشتن است و در اصطلاح به معنای خروج فرد مسلمان از دین اسلام و برگشتن از ایمان به کفر است. (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳ : ۷۹) از آیات قرآن کریم بر می آید، که تعیین جزاء برای فرد مرتد از جهت ماهیت عمل وی و جلوگیری از پیامد های بد آن میباشد، نه به جهت اعمال و یا تغییر عقیده. چون پذیرفتن اسلام باید استوار بر مبنای منطق و خرد باشد؛ و آن کس که اسلام را بعد از پذیرش رها کند، معمولاً دلیل موجه و صحیحی ندارد بنابراین عدول او به خیانت شبیه تر است.

ه- طلاق

طلاق اسم مصدر به معنای رهائی، آزاد کردن، ترک کردن، واگذاشتن و سر انجام رهائی و خالی شدن از پیوند و عهد و برداشتن محدودیت است. خواه این محدودیت، محدودیت طبیعی باشد یا به قید ثانوی و یا به واسطه عهد و پیمان باشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ج ۱ : ۵۳۲) - (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۷ : ۱۱۲) و اما در اصطلاح لغوی طلاق به برداشته شدن و جدا کردن زن از محدودیتی است که به وسیله عقد و پیمان بین زوجین برقرار شده است. (فراهیدی، ۱۳۶۴، ج ۵ : ۱۰۱) طلاق از دید قانون عبارت از؛ انحلال رابطه زوجیت صحیح در حال یا آینده، بین زوج و زوجه به الفاظی که وقوع طلاق صراحتاً از آن افاده شده بتواند. (ق م ا، ماده: ۱۳۵)

و- عدت

عِدّه به کسر عین و فتح دال مشدّد، از ریشه عدد گرفته شده و به معنای گروه، شمردن، مدّت سوگ زن به مرگ شوهر و ایام حیض یا طهر زن است و در اصطلاح فقهاء عبارت از ترَبّص (حالت انتظار) شرعی است که زن بعد از طلاق و زوال نکاح و یا وفات لازم است مدتی درنگ کرده و سپس شوهر دیگر اختیار کند. (دهخدا، ۱۹۳۱، ج ۳۳ : ۱۳۰) قانون مدنی افغانستان عدت را چنین تعریف نموده است؛ عدت عبارت از مدت معینیست که با انقضای آن تمام آثار مرتبه ازدواج از بین میبرود. (ق م ا، ماده: ۱۹۸) و هدف اصلی عدت شناخت برائت رحم و جنین در بطن مادر میباشد. اموری که موجب عدت می شوند

عبارتند از؛ وفات، اقسام مختلف طلاق، فسخ عقد به واسطه عیبه‌ها، انفساخ به مثل ارتداد، آمیزش اشتباهی و غیره.

اسباب وجوب نفقه

فقهاء بر وجوب نفقه زوجه (مسلمان/کافر) در نکاح صحیح اتفاق دارند. (شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۳ : ۲۳۱) (قرطبی، ۱۴۳۱، ج ۲ : ۵۳) آیات و روایات متعددی در خصوص وجوب نفقه زوجه وجود دارد ما هم به ذکر چندی اکتفاء می‌نمائیم.

خداوند متعال در کلام خود می‌فرماید: **لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ**. (الطلاق، آیه ۷) **ترجمه:** هر مالداري از مال خود نفقه دهد. همان‌طور که میدانیم آیه فوق دلالت بر وجوب و لزوم دارد و به معنی باید است، یعنی؛ باید انفاق نمایند و این وجوب انفاق در حق کسانی است که واجب النفقه هستند و شامل هر زمانی می‌گردد؛ ایام عده و حتا شامل ایام شیر دادن همسر طلاق شده می‌شود.

همچنان خداوند تعالی در سوره الطلاق آیه ۶ نیز فرموده اند: **أَسْكِنُوهُنَّ مِّنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِّنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تَضَارُّوهُنَّ لِيُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ**. (الطلاق، آیه ۶) **ترجمه:** (زنانی که در عده طلاق رجعی اند) آنها را در همان منزل خویش که میسر شماست بنشانید و به ایشان (در نفقه و سکنی) آزار و زیان نرسانید تا آنان را در مضیقه و رنج در افکندید (که ناچار از حق خود بگذرند) و به زنان مطلقه اگر حامله باشند تا وقت وضع حمل نفقه دهید. هرچند آیه فوق وجوب تأمین نفقه را برای زنی که در حال عده طلاق قرار دارد بیان می‌نماید، اما به طریق اولی شامل زنانی هم‌میشود که طلاق داده نشده اند.

همین گونه در احادیث بسیاری از سنت رسول خدا بر وجوب تأمین مایحتاج ضروری زنان اشاره شده است؛ چنانچه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم در روز عرفه در خطبه طویل حجة الوداع فرمودند: **لَهُنَّ عَلَيْكُم رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ**. (صحیح البخاری، ۱۲۱۸) **ترجمه:** مردان باید رزق و لباس زنان را به طور شایسته بپردازند. در حدیثی دیگری در خصوص ارزش نفقه فرموده اند: **كُفَى بِالْمَرْءِ إِثْمًا أَنْ يُضَيِّعَ مِنْ يَقْوَتِهِ**. (سنن أبی داود، ۱۶۹۲) **ترجمه:** برای انسان تنها مرتکب شدن این گناه کافی است که

نفقه ای کسی را که بر او واجب است ضایع کند. همین گونه در مورد انفاق برای خانواده فرمودند: **دینار انفقته فی فی سبیل الله و دینار انفقته فی و دینار تصدقت به علی مسکین و دینار انفقته علی اهلك اعظمها أجراً الذي أنفقته علی اهلك.** (صحیح المسلم، ۱۶۹۲) **ترجمه:** از دیناری که در راه خدا، در راه آزاد سازی بنده‌ای، در راه صدقه به مسکینی و در راه مخارج خانواده ات انفاق می‌کنی بزرگترین و بهترین اجر و پاداش مربوط به انفاق و بخششی است که در راه خانواده ات باشد.

و ابوداود از معاویه قشیری نقل نموده که گفته است: به خدمت رسول الله رسیدم و پرسیدم رای تو در مورد همسران ما چیست؟ فرمودند: از همان غذایی که می خورید به آنها بدهید و از همان پارچه ای که لباس خود را تهیه میکنید، لباس آنها را هم تهیه نمائید، آنان را مورد ضرب و شتم قرار ندهید و با کردار و گفتار زشت و ناپسند با آنها رفتار ننمائید. (سنن ابن ماجه، ۱۸۵۰) و در صحیح البخاری آمده است؛ که نبی علیه السلام فرمودند: **إذا أنفق الرجل علی أهله یحتسبها فهو له صدقة.** (صحیح البخاری، ۵۵) **ترجمه:** هنگامی که مرد به خانواده اش انفاق میکند و به آن راضی است این انفاق برای او صدقه محسوب میشود.

خانواده یک نهاد کوچک اجتماعی همانند سایر اجتماعات است و سنت طبیعی و شرایط زندگی مقتضی اینست که در خانواده قیم و سرپرستی وجود داشته باشد که به اداره امور زندگی پرداخته و مسائل و اوضاع آنرا به عهده گیرد و از مال خود برای آن هزینه کند تا رسالت خود را به کاملترین صورت به انجام برساند و نیز هسته و خواستگاهی برای جامعه ای انسانی مورد نظر اسلام باشد حالا که خانواده نیازمند سرپرستی میباشد پس باید مرد و یا زن یکی به عنوان سرپرست و دیگری در کنار او برای مشاورت باشد. مرد بخاطر موهبت عقل و قدرت تصمیم گیری و اراده خدادادی، توانا تر است و بخاطر این که خداوند او را مکلف به تلاش برای کسب درآمد نموده است، نسبت به سرپرستی داشتن بر زن مستحق تر است و این سرپرستی در حقیقت مسئولیت و تکلیف است نه درجه برتری و شرف. قانون مدنی افغانستان همچنان نفقه را بر زوج لازم دانسته و چنین صراحت دارد؛ با عقد نکاح صحیح و نافذ نفقه بر زوج را لازم می‌گردد. (ق م ا، ماده: ۱۱۷) و همچنان در خصوص امتناع زوج از اداء آن چنین بیان نموده است؛ هرگاه زوج از ادای نفقه امتناع ورزد یا تقصیری وی در آن ثابت گردد، محکمه با صلاحیت زوج را به ادای نفقه مکلف می‌گرداند. (همان، ماده: ۱۱۹)

نفقة شامل چه مواردی می‌شود؟

نفقه شامل موارد مختلفی از جمله مسکن، لباس و سایر مخارج زندگی می‌گردد، که بصورت مختصر به شرح هر کدام پرداخته ایم.

الف؛ مسکن: فقهاء دیدگاه شان بر این است که شوهر در حد توانائی باید محل سکونت را برای همسرش فراهم نماید.

برای شوهر لازم است که زن خود را در خانه مستقل سکونت بدهد که در آن کسی از اهل خانه شوهر نباشد، البته اگر زن خود سکونت با اهل شوهر را پذیرفت و اختیار کرد باکی ندارد. چون سکونت حق واجبی زن است و شوهر نمی‌تواند در حق او کسی را شریک سازد. (المرغینانی، ج ۲: ۲۸۸)

ماده ۱۱۵ قانون مدنی افغانستان در مورد مسکن زوجه تذکر داده است: زوج مطابق توان مالی خود برای زوجه اش مسکن مناسب تهیه می‌نماید. و هرگاه شخصی بیش از یک زوجه داشته باشد نمیتواند بدون رضایت، آنها را در مسکن واحد مجبور به رهائش گرداند. (ق م ا، ماده: ۱۱۵-۱۱۶)

ب؛ لباس: فقهای مالکیه می‌گویند بر مرد واجب است لباس و پوشش متناسب با شخصیت زن و عرف محل را که بدن او را بپوشاند و از گرمای تابستان و سرمای زمستان مصئون بدارد، تهیه کند. اما تهیه لوازم آرایشی مانند: حنا، کرم، عطر و .. بر مرد واجب نیست. (زحیلی، ۱۴۲۹: ۱۰۲)

قانون مدنی افغانستان در رابطه به مشتملات نفقه زوجه چنین بیان نموده است: نفقه زوجه مشتمل بر طعام، لباس، مسکن و تداوی متناسب به توان مالی زوج. (ق م ا، ماده: ۱۱۸)

ج؛ سایر مخارج زندگی: همین گونه مرد لازم به اندازه کافی برای استحمام و شستشوی لباس ها و ظروف شوینده در اختیارش قرار دهد و از همه مهمتر این است که به هنگام بیماری زن شوهر باید او را نزد پزشک ببرد و هزینه دوا و درمان او را بپردازد و مراقبت لازم را از او به عمل بیاورد. (زحیلی، ۱۴۲۹: ۱۰۲) چنانچه در قانون مدنی افغانستان نیز تذکر رفته است.

در کتاب جواهر الثمینة که فقه امام مالک میباشد آمده است که پخت و پز و شست و شو و دیگر کار های منزل بر همسر واجب نیست به ویژه زنی که توانائی کار های منزل را ندارد شوهر نباید او را به آن مجبور نماید یا زن را مجبور کند که خادمی را برای کار منزل استخدام کند و خود زن حقوقش را بپردازد.

در کنار موارد فوق تهیه نمودن مواد غذایی، مواد سوختی و سایر مصارفات مخارج زندگی بر مرد لازم و واجب است.

میزان و مبلغ نفقه

پس از آن که دانستیم نفقه بر عهده مرد است، و با این که شارع تعیین مقدار آن را به توافق طرفین و عرف واگذار کرده است. در این مورد بین فقهاء چند قول وجود دارد که در ذیل به توضیح آنها می پردازیم.

الف: بعضی از فقهاء معتقد هستند که نفقه بر اساس شأن هر دو زن و شوهر پرداخت گردد، و همین مذهب راجع امام خصاص رحمه الله است و فتاوی نیز بر همین است. (المرغینانی، ج ۲: ۲۸۵)

ب: قول دیگر که دیدگاه امام کرخی و شافعی میباشد، در معیار تعیین مقدار نفقه زن، ملاحظه توانائی مالی مرد را ملاک دانسته است و بر اساس این قول شوهر باید به حسب توانائی مالی خود نفقه همسر خود را پرداخت نماید. (همان، ۲۸۵)

قانون مدنی افغانستان همچنان میزان و مبلغ نفقه زوجه را بر حسب توان مالی مرد دانسته و چنین بیان نموده است؛ نفقه زوجه مطابق بتوان مالی زوج تامین میگردد، مشروط بر اینکه نفقه از حد اقل کفاف زوجه کمتر باشد. (ق م ا، ماده: ۱۲۳) و همچنان در ماده ۱۲۴ زیادت و تنقیص نفقه را تابع تحول در توان مالی زوج و تغییر قیمت اشیای محل بیان نموده است.

در قوانین بعضی از کشور های اسلامی نیز در باب نفقه، معیار توان مالی زوج قرار گرفته است به عنوان مثال در ماده ۲۵ قانون مدنی مصر که در سال ۱۹۲۵ تصویب شده آمده است: نفقه زوجه که بر شوهر وی واجب است به ملاحظه حال زوج از نظر فقر و غنا تعیین میگردد و وضعیت زوجه هرچه باشد در آن هیچ دخالتی ندارد. (مغنیه، ۱۴۲۱: ۸۷) و همچنان بعضی از دانشمندان حقوق ایران نیز در این باره آورده اند. در ماده ۱۰۰۷ معیار تعیین نفقه تنها وضع زن قرار داده شده است ولی بنظر میرسد که

جایگاه مالی شوهر نیز باید مورد نظر باشد زیرا زن و شوهر پس از نکاح یک خانواده تشکیل می‌دهند و جدا از هم نیستند، بنابراین اگر مردی ثروت‌مند با زن فقیر ازدواج کند، حق ندارد حالت گذشته او را مبنی تعیین مقدار نفقه بداند. (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۵۷)

مواردی که نفقه بر زن تعلق نمی‌گیرد

از جمله مهمترین حقوق مالی زن که به سبب عقد ازدواج بر وی تعلق می‌گیرد نفقه است. بنابراین زن پس از عقد نکاح در صورت تمکین به شوهر حق دریافت آن را دارد. با وجود این گاهی ممکن است که حق دریافت نفقه توسط زن ساقط گردد. تعدادی از عوامل سقوط آن عبارتند از:

أ؛ **نکاح فاسد:** از جمله عوامل سقوط نفقه نکاح فاسد می‌باشد و در نکاح فاسد برای زن نفقه نیست زیرا خلوت بر اساس فاسد بودن نکاح از بین می‌رود. (السرخسی، ج ۵: ۱۹۳) و همین گونه قانون مدنی افغانستان از جمله شرایط لزوم نفقه برای زن را عقد صحیح و نافذ می‌داند: با عقد صحیح و نافذ نفقه بر زوج لازم است. (ق م ا، ماده: ۱۱۷)

ب؛ **نشود:** از عوامل دیگر سقوط نفقه زن نافرمانی وی از شوهر در آن حقوقی می‌باشد که شوهر به او به اثر عقد ازدواج دارا می‌باشد، پس نفقه در صورت عدم تمکین زن ساقط می‌گردد. چون نفقه در مقابل تمتع است و در صورت امتناع از آن نفقه ای وجود ندارد. (المرغینانی، ج ۲: ۲۸۶) قانون مدنی افغانستان در بیان حالاتی که زوجه مستحق نفقه نمی‌گردد، بیان نموده: در صورتی که زوجه به امور زوجیت اطاعت نداشته باشد. (ق م ا، ماده: ۱۲۲)

ج؛ **خارج شدن از مسکن بغیر جائز بدون اجازه شوهر:** هرگاه زن بدون اذن شوهر از خانه خارج گردد و یا قصد مسافرت نماید و حتی بدون اذن شوهر احرام کند، نافرمانی است. مگر در صورت ضرورت و یا غدر؛ پس در مواردی چون رفتن به خانه پدر برای زیارت و احوال گیری و یا هم عیادت شامل نافرمانی محسوب نمی‌گردد. (زحیلی، ۱۴۰۹، ج ۱۰: ۷۳۶۴) فقهای شافعی بیرون رفتن زن را در هنگام غیبت شوهر برای دیدار با اقارب، خویشاوندان و همسایه گان را جائز می‌دانند و آنرا شامل نافرمانی محسوب نمی‌کنند. (همان، ج ۱۰: ۷۳۶۴) - (المعرانی، ۱۴۲۱، ج ۱۱: ۱۹۰) فقهای حنابله می‌گویند در صورتی که زن برای حاجتی از خودش و یا گردش بدون اذن شوهر سفری پیش گیرد برایش نفقه نیست. (زحیلی، ۱۴۰۹، ج ۱۰: ۷۳۶۴)

ماده ۱۲۲ قانون مدنی افغانستان در خصوص چنین حکم دارد: در صورتی که زوجه بدون اجازه زوج یا بغیر مقاصد جایز از مسکن خارج گردد - مستحق نفقه نمی‌گردد. (ق م ا، ماده: ۱۲۲)

د؛ ارتداد: ارتداد و خارج شدن از اسلام یکی دیگر از صورت های سقوط نفقه زن میباشد، زیرا او دیگر مسلمان نیست و از اسلام خارج شده است. شوافع و حنابله معتقدند که اگر زن مرتده به اسلام باز گردد برایش نفقه میباشد. (زحیلی، ۱۴۰۹، ج ۱۰: ۷۳۶۶)

ه؛ امتناع ورزیدن از رفتن به مسکن زوج: هرگاه زن از رفتن به مسکن شوهر امتناع ورزد بر وی نفقه لازم نمی‌باشد. تا هنگامی که از سرکشی باز گردد و به خانه شوهر آید. (المرغینانی، ج ۲: ۲۸۶) و دیدگاه علمای متأخرین هم چنین است. (أبن مازة البخاري، ۱۴۲۴، ج ۳: ۵۱۹)

ماده ۱۱۷ قانون مدنی افغانستان همچنان در زمینه بیان نموده است: که اگر زوجه از رفتن به مسکن زوج بدون حق امتناع ورزد نفقه وی بر زوج لازم نمی‌گردد. در ادامه در فقره دوم جهت توضیح بهتر؛ حق نرفتن زوجه را به تهیه نشدن مسکن مناسب و یا تادیه نگردیدن مهر معجل وی بازگو کرده است. (ق م ا، ماده: ۱۱۷)

و؛ فوت یکی از زوجین: اگر مرد قبل از پرداخت نفقه فوت کرد زن نمی‌تواند از مال او نفقه خود را بگیرد و همچنان در صورت فوت زن ورثه او نمی‌تواند در خواست نفقه وی را نمایند. (زحیلی، ۱۴۰۹، ج ۱۰: ۷۳۶۳) - (المرغینانی، ج ۲: ۲۸۸) اما اگر شوهر نفقه را بصورت پیشکی از قبل پرداخت، و فوت کرد در این صورت آنچه پرداخت شده است باز گردانده نمی‌شود و این نظرات امامان ابوحنیفه و ابو یوسف میباشد. (المرغینانی، ج ۲: ۲۸۸)

احکام نفقه بعد از جدائی

نفقه بر اثر عقد نکاح صحیح و نافذ بر زوج لازم میگردد و هرگاه زوج از ادای نفقه واجبه امتناع ورزد به اداء نفقه زوج مکلف میگردد. اما پرداخت و ادای نفقه بعد از به میان آمدن فرقت و جدائی (در زمان عده) چگونه است؟

در زمینه باید گفت؛ لزوم و عدم لزوم اداء نفقه مرتبط به نوع عاملی می‌باشد که باعث ایجاد فرقت میان زوجین گردیده و هر کدام احکام متفاوت دارند.

الف؛ جدائی به اثر طلاق: خداوند متعال عده را بر زن مطلقه واجب گردانیده و میفرماید؛ **وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ ۚ** (البقرة، آیه ۲۲۸) **ترجمه:** زنان مطلقه (بعد از طلاق) باید به مدت سه بار عادت ماهانه انتظار بکشند.

دیدگاه احناف در خصوص نفقه زن مطلقه معتده اینست که بر شوهر اداء نفقه لازم و واجب است برابر است که این طلاق بائن باشد یا رجعی. (المرغینانی، ج ۲ : ۲۹۰) دیدگاه امام شافعی چیز دیگریست؛ ایشان نفقه را بر عدت طلاق بائن واجب نمی‌دانند مگر در صورتی که مطلقه حامله باشد. (البغوی، ج ۶ : ۲۹۰)

همین گونه قانون مدنی افغانستان در ماده ۲۱۲ چنین بیان نموده است؛ هر نوع تفریقی که از جانب زوج واقع می‌گردد، خواه طلاق باشد یا فسخ موجب اسقاط نفقه عدت زوجه نمی‌گردد. و در ادامه در بیان معتداتی که نفقه آنها بر زوج لازم است چنین حکم نموده است: معتده طلاق رجعی، بائن صغری و بائن کبری خواه زوجه حامله باشد یا نه.

ب؛ جدائی به اثر فوت شوهر: خداوند متعال میفرماید: **وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا**. (البقرة، آیه ۲۳۴) **ترجمه:** کسانی که از شما (مردان) می‌میرند و همسرانی از خود بجای می‌گذارند، همسران شان باید چهار ماه و ده روز انتظاری بکشند و عده نگاه دارند. پس عدت زنی که شوهرش وفات نموده باشد چهار ماه و ده روز واجب گردیده است. قانون مدنی افغانستان نیز عدت وفات را بر همین میزان مقدر کرده است. (ق م ا، ماده: ۲۰۷)

اما نفقه زوجه در عدت وفات؛ فقهاء معتقدند که در عده وفات شوهر، برای زن نفقه لازم نیست. و این دیدگاه امام محمد و یک قول امام شافعی نیز می‌باشد. (المرغینانی، ج ۲ : ۲۹۰) قانون مدنی افغانستان در خصوص چنین حکم نموده است؛ در صورت وفات زوج، زوجه مستحق نفقه نمی‌گردد، خواه زوجه حامله باشد یا نباشد. (ق م ا، ماده: ۲۱۵)

ج؛ هرگاه فرقت از جانب زن باشد: چنانچه تذکر دادیم، اگر فرقت و جدائی بر اساس معصیت از طرف زن صورت گیرد؛ مثل مرتد شدن زن، در این صورت نیز برای زن نفقه لازم نمی‌باشد. البته این خلاف آنست که فرقت از جانب وی بدون معصیت واقع گردد؛ پس اگر به دلیل هم کفو نبودن، یا فرقت به سبب خیار بلوغ و حتا تفریق به اثر لعان صورت گرفته باشد، برای وی نفقه لازم و واجب بوده و مرد ملزم به ادای آن می‌باشد. (المرغینانی، ج ۲ : ۲۹۰)

قانون مدنی افغانستان در ماده ۲۱۲ بیان میدارد؛ نفقه معتدات آتی الذکر بر زوج لازم است: (ق م ا، ماده: ۲۱۲)

- . معتده طلاق رجعی، بائن صغری و بائن کبری خواه زوج حامله باشد یا نه.
- . معتده لعان، ایلاء و خلع مگر اینکه از نفقه خود ابراء داده باشد.
- . معتده ایکه تفریق به سبب امتناع زوج از قبول اسلام صورت گرفته باشد.
- . معتده ایکه زوج عقد نکاح را به سبب خیار بلوغ و افاقه، فسخ نموده باشد.
- . معتده ایکه تفریق وی به اثر مرتد شدن زوج یا به اثر ارتکاب فعلی که موجب حرمت مصاهره میگردد صورت گرفته باشد.

نتیجه

اصل حق و وجبیه در روابط انسانی، بنیاد غیر قابل تفکیک است که در مشترکات اجتماعی بر روابط افراد حاکم می‌باشد. پابندی به این اصل زن و شوهر را در مسیر وجایی که در قبال هم دارند، سوق می‌دهد. اگر اساس زنده گی مشترک زن و شوهر بر مبنای روحیه معروف گذاشته شود، این خود متضمن تأمین رعایت سایر حقوق یگدیگر آنها خواهد بود. به شرط این که هر دو از حقوق هم به نسبت هم آگاهی داشته و پذیرای برخی تفاوت های حقوقی یگدیگر نیز باشند و با پذیرش تعهدی، بجهت رعایت آن حقوق را نیز در خود احساس کنند. از این مهم؛ یکی نفقه زن بر عهده شوهر است که شوهر خود را متعهد به رعایت این وجبیه در خصوص همسر خویش دانسته و تا سر حد توان کوشا به اداء آن به وجه احسن میباشد. آیات و روایات متعددی در زمینه نقل شده است و فقهاء بر وجوب نفقه زن اتفاق دارند. شوهر در حد توانائی باید محل سکونت را برای همسرش فراهم نماید، پوشاک و سایر مخارج زندگی اعم از؛ مصارف دارو و درمان و حتی پرداخت نفقه خادم او بر عهده مرد است. قانون افغانستان با رعایت ارزش های اسلامی و با متابعت از اصول فقهی به صورت تفصیلی به موضوع نفقه زن پرداخته است و مرد را مکلف به رعایت و اداء نفقه همسرش دانسته و این امر را از اثرات مهم ازدواج بیان می‌دارد. نفقه در صورت به میان آمدن یک سلسله شرایط خاص که فقه و قانون آنرا پیش بینی نموده است، ساقط می‌گردد؛

فوت أحد طرفین، عدم تکمین، ارتداد و سایر موارد را میتوان از عوامل سقوط آن شمرد. فقهاء پرداخت نفقه را در عدت طلاق واجب و در عدت وفات شوهر لازم نمی‌دانند و در صورتی که فرقت از جانب زن به اسبابی چون؛ خیار بلوغ، افاقه و یا مرتد شدن زوج صورت گرفته باشد، باز هم قانون نفقه را برجا دانسته و زوج را مکلف به اداء آن نموده است. نهایتاً رعایت این حق و انجام این مسئولیت سبب نزدیکی و صمیمیت بیشتر میان زن و شوهر گردیده و از ایجاد هرج و مرج و بروز مشکلات جلوگیری می‌کند.

فهرست منابع

الف: منابع عربی

۱. القرآن کریم
۲. ابن ماجه، محمد بن یزید (۱۴۱۸). *سنن ابن ماجه*، چاپ اول، بیروت- لبنان: دار الجیل.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.
۴. ابن مازه البخاری، محمود بن احمد (۱۴۲۴). *المحیط البرهانی فی الفقه النعمانی*، الطبعة الاولى، بیروت _ لبنان: دارالکتب العلمیة.
۵. البخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم (۱۲۱۸). *صحیح البخاری*،
۶. البغوی، الحسین بن مسعود (۱۹۹۷). *التهذیب فی الفقه الإمام شافعی*، بیروت- لبنان : دارالکتب العلمیة.
۷. السرخسی، محمد بن احمد (۱۴۲۱). *المبسوط*، ج ۳۰، چاپ اول، بیروت- لبنان: دارالکتب العلمیة.
۸. المرغیلانی، علی بن ابی بکر (۱۳۹۷). *الهدایة فی شرح البدایة المبتدی*، بیروت- لبنان: دار احیاء التراث العربی.
۹. الزحیلی، وهبة (۱۹۹۷). *الفقه الإسلامی وأدلته*، ج ۱۰، الطبعة الاولى دار الفكر المعاصر للنش و التوزیع.
۱۰. الزحیلی ، وهبة (۱۴۲۹). *الأسرة المسلمة فی العالم المعاصر*، الطبعة الاولى، دمشق- سوريا: دارالفکر.
۱۱. السجستانی، ابوداود سلیمان بن الأشعث (۱۶۹۲). *سنن ابی داود*، بیروت- لبنان: دارالفکر.

۱۲. المعراني، أبوالحسين يحيى بن أبي الخير (۱۴۲۱). *البيان في مذهب الإمام شافعي*، طبعه الأولى، جدة: دارالمنهاج.
۱۳. المصطفوي، حسن (۱۳۶۰). *التحقيق في كلمات القرآن الكريم*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر كتاب.
۱۴. راغب اصفهاني، حسين بن محمد (۱۴۱۶). *مفردات الفاظ قرآن*، چاپ اول، بيروت- لبنان: دار الشافعة.
۱۵. شوكتاني، محمد بن علي (۱۴۱۴). *فتح القدير*، دمشق - سورية.
۱۷. طبرسي، فضل بن حسن؛ بلاغي، محمد جواد. (۱۳۷۲). *مجمع البيان في تفسير القرآن*، : چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو.
۱۸. فراهيدي، عبدالرحمن الخليل (۱۳۶۴). *كتاب العين*، چاپ اول، تهران: انتشارات دار الهجره.
۱۹. قرطبي، محمد بن احمد بن محمد بن رشد (۱۴۳۱). *بدايه المجتهد و نهاية المقتصد*، چاپ اول، تهران- ايران: المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الإسلامية.
۲۰. مشكيني، علي (۱۴۲۸). *مصطلحات الفقه*، چاپ چهارم، قم: موسسه الهادي.
۲۱. معتصم، بن عبدالرحمن؛ محمد، بن منصور (۲۰۰۷). *احكام نشوز الزوجه في الشريعة الإسلامية*، الطبعه الاولى، نابلس - فلسطين: جامعة النجاح الوطنية.
۲۲. مغنيه، محمد جواد (۱۴۲۱). *الفقه على المذاهب الخمسه*، چاپ دهم، بيروت: دارالتيار الجديد.
۲۳. مسلم بن حجاج، ابوالحسن القشيري النيشاپوري (۱۶۹۲). *صحيح المسلم*، مصر: دارالحديث قاهره.

ب: منابع فارسی

۱. جريده رسمي شماره ۳۵۳ (۱۳۵۵). *قانون مدني*، وزارت عدليه جمهوري اسلامي افغانستان.
۲. دهخدا، علي اكبر (۱۹۳۱). *لغت نامه دهخدا*، تهران.
۳. قرشي، سيد علي اكبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*، چاپ ششم، تهران: دارالكتب الإسلامية.
۴. كاتوزيان، ناصر (۱۳۸۵). *حقوق مدني*، چاپ هفتم، تهران: شركت سهامی انتشار.